



جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سؤالات
و پروپوزینت‌های دانشگاهی

Jozvebama.ir





فارسي عمومي



تهیه کننده:

■ علی زمانی



هدفهای آموزشی

- هدف همه دروسها آنست که دانشجو بتواند
- با آثار ادبی فارسی که بخش مهمی از میراث فرهنگی دوران اسلامی- ایرانی است و در ساختن هویت فرد ایرانی سهمی عمده دارد آشنا شوند
- لغات و ترکیبات به کار رفته در هر متنی را معنی کنند
- خواننده‌های خود را به نثر و زبان امروزی بیان کنند
- در صورت نیاز و امکان به اصل کتابها و مقاله‌ها مراجعه کنند



- به بینندگان آفریننده را
- نبینی مرنجان دو بیننده را
- ص ۱ - ب ۵



تمثیل

- توانا بود هر که دانا بود
- زدانش دل پیر برنا بود
- ص ۱۴



■ مینوی مشاغلې چون: ریاست کتابخانه ملي – ریاست
تعلیمات عالیہ وزارت فرهنگ – رایزنی فرهنگ ایران در
ترکیہ – استادی دانشگاه تهران – عضویت پیوستہ در
فرهنگستان ادب و هنر – مسئولیت علمیہ – بنیاد شاهنامہ
فردوسی داشته است

■ ص ۳



- تهیه فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه چستربیتی (در دوبلن - ایرلند) از خدمات مهم مینوی در خارج از کشور بود
- ص ۳



■ مینوی دیوان ناصر خسرو را با همکاری دکتر مهدی محقق
تصحیح کرده است

■ ص ۳



- مصنفات بابا افضل کاشانی را با همکاری دکتر یحیی مهدوی تصحیح و چاپ کرد
- ۳ ص



■ کلیله و دمنه - نوروزناه خیام - عیوم الحکمه ابن سینا -
سیرت جلال الدین نینکبرنی - وقف نامه ربع رشیدی از
آثار تصحیح شده اوست

■ ص ۳



گوش پشت استعاره از آسمان خمیده

- جزین بی گناهی که این گوش پشت
- مرا بر کشید و به زودی بکشت
- ص ۱۱ - ب ۱۱



باد سرد کنایه از آه کشیدن

- نشست از بر رخس رستم چو گرد
- پر از خون رخ و لب پر از باد سر
- ص ۱۲ - ب ۵۹



مرگ استعاره مکنیه

- شکاریم یکسر همه پیش مرگ
- سري زیر تاج و سري زیر ترگ
- ص ۱۳ – ب ۷۸



سري زیر تاج کنایه از پادشاه

- شکاریم یکسر همه پیش مرگ
- سري زیر تاج و سري زیر ترگ
- ص ۱۳ - ب۷۸



سري زیر ترگ کنایه از سرباز

- شکاریم یکسر همه پیش مرگ
- سري زیر تاج و سري زیر ترگ
- ص ۱۳ - ب۷۸



■ از آثار بهار سه جلد سبک شناسی تطور نثر فارسی- دیوان اشعار در دو جلد - تصحیح مجمل التواریخ و القصص - تصحیح تاریخ سیستان تاریخ احزاب سیاسی - مجله دانشکده و روزنامه های تازه بهار و نو بهار

■ ص ۱۸



کشت نیشکر اضافه تخصیصی

- يك ره سوي كشت نيشكر پويم
- كلكي ز ستا كه نيشكر گوید
- ص ۱۹ - ب ۳



خدنگ خامه اضافہ تشبیہی

- كلك از كف تير سرنگون گردد
- چون من ز خدنگ خامه سر گیرم
- ص ۱۹ - ب ۹



طباق – خطير و بي خطر

- هنجار ختيم تلخ کامي را
- بر آتش خویش بي خطر گیرم
- ص ۱۹- ب ۱۱



جناس - بين خطير و خطر

- هنجار ختيم تلخ کامي را
- بر آتش خویش بي خطر گیرم
- ص ۱۹ - ب ۱۱



لف و نشر

- شیطان نیاز و از را گردن
- در بند کمند و سیم و زر گیرم
- ص ۱۹ ب ۲۱



■ از آثار منظوم اخوان: ارغنون - زمستان - آخر شاهنامه
- از این اوستا - شکار - پلییز در زندان - بهترین امید
- عاشقانه - کبود

■ ص ۲۴



- مهدی اخوان ثالث آثاری هم به نثر دارد که مهمترین آنها عبارتند از: مجموعه آثار و مقالات - بدعتها و بدایع نیما یوشیج
- ص ۲۴



■ اخوان در شعر زمستان که در سال ۱۳۳۴ ش. ساخته با
تو صیف زمستان اوج خفقان اجتماعي روزگار خود را با
دم سردی و افسردگی مردم به تصویر کشیده است

■ ص ۲۴



اضافه تشبیهی - چراغ باده

- حریفاً رو چراغ باده را بفروز
- شب با روز یکسان است
- ص ۲۵



■ جمله مفهوم کاملی است که بوسیله چند کلمه بیان می شود
یا مجموعه ای از کلمات است که بر روی هم معنی تمام و
کاملی داشته باشد مانند: به نزدیک من صلح بهتر که جنگ

■ ص ۲۸



■ جمله از نظر محتوای پیام هایی که در بر دارد پنج نوع است :

■ ص ۲۸



- جمله خبري که خبري را برساند : هوا روشن است
- ص ۲۸



- جمله پرسشی که پرسشی در آن باشد : آیا هوا روشن است
- ص ۲۸



■ جمله ي پرسشي گاهي براي تاکيد يا اعتراض يا تشويق
است: مگر به تو نگفتم

۲۸ ■



■ جمله تعجبي که شگفتي را بيان ميکند: چه هواي خوبي!

■ ص ۲۸



- جمله امري که در آن خواهشي يا فرماني باشد: بخور تا تواني به بازوي خویش
- ص ۲۸



■ جمله دعایی که در آن دعا باشد : خداوند پدرت را رحمت کند

■ ص ۲۸



■ جمله ساده جمله ایست که يك فعل دارد : دیروز هوا آفتابی بود

■ ص ۲۹



■ جمله مرکب دو جمله یا بیشتر است که بر روی هم معنی کامل دارد

■ ص ۲۹



- جمله مستقل جمله ساده ای است که معنی کاملی دارد:
- دیروز زیاد کار کردم
- ص ۲۹



■ جمله ناقص جمله اي است كه معني آن بوسيله جمله ديگر
تمام مي شود: به دريا رفتيم (به دنبال جمله اي چون ديروز
هوا آفتابي بود

■ ص ۲۹



■ جمله مکمل جمله ای است که که معنی جمله ناقص را کامل کند: به دریا رفتیم) به دنبال جمله چون دیروز هوا آفتابی بود)

■ ص ۲۹



- از آثار دکتر پرویز ناتل خانلری: دختران سروان - ترجمه از پوشکین - چند نامه به شاعر جوان - ترجمه از ریلکه - تحقیق انتقادی از عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل- وزن شعر فارسی (رساله دکتری استاد) - دستور زبان فارسی - تاریخ زبان فارسی - تصحیح سمک عیار از فرامرز ارجانی - و دهها مقاله دیگر
- ص ۲۹ و ۳۰



- آثار متعددي از محمد پروين گنابادي بر جاي مانده است :
- راهنماي مطالعه - پرورش اراده - اندیشه ها - شیوه نگارش- فن مناظره
- ص ۳۵



■ استاد گنابادي در تصحيح تاريخ بلعمي با بهار همكاري داشته است

■ ترجمه هايي از گنابادي انتشار يافته است كه از جمله ژانها:
ترجمه مقدمه ابن خلدون - روح تربيت از گوستاولوبنو
گزیده مشترك ياقوت حموي را مي توان نام برد

■ ص ۳۵



■ استعاره به معنی عاریت خواستن و به آریه گرفتن است در اصطلاح آن است که لفظی در غیر معنی حقیقی (مجازی) خود به کار رود استعاره در عین حال به علت وجود علاقه مشابهت نوعی تشبیه نیز به حساب می آید به این معنی که در آن از چهار رکن تشبیه فقط مشبه به ذکر شود

■ ص ۳۸



- استعاره سه رکن دارد ۱- مستعار له (مشبه)
- ۲- مستعارن منه (مشبه به) ۳- جامع (وجه شبه)
- ص ۳۸



استعاره مصرحه

- به کار بردن مشبه به به مجاز در معنی مشبه مانند:
نرگش عربده جوي و لبش افسوس کنان در این مثال چشم
مستعار له (مشبه) است
- نرگس مستعار منه (مشبه به) و مخموري جامع
- (وجه شبه) است
- ص ۳۸



استعاره بال کنایه یا تخیلیه (تشخیص)

- اگر مشبه به حذف شود و مشبه با یکی از لوازم مشبه به بیاید این استعاره تشخیص نامیده می شود مانند: مرگ پنجه های خود را گشود
- مرگ مشبه
- حیوان درنده مشبه به
- درندگی وجه شبه
- ص ۳۸



■ صائب از شاعران سبک هندی است
■ در شعر او تمثیل - لطافت اندیشه و کار برد صور خیال
دیده می شود او غزل را در هر موضوعی به کار برده
است

■ صائب شاعر تک بیتها است

■ ص ۴۰



تضاد – امروز فردا

- هرچه رفت از دست یاد آن به نیکی می کنند
- چهره امروز از آینه فردا خوش است
- ص ۴۱ – ب ۹



اضافه تشبیهی – آیینه فردا

- هرچه رفت از دست یاد آن به نیکی می کنند
- چهره امروز از آیینه فردا خوش است
- ص ۴۱ – ب ۹



مراعات نظیر - کلید - قفل - بگشاید

- به صبر مشکل عالم تمام بگشاید
- که این کلید به هر قفل راست می آید
- ص ۴۱ ب ۱۳



تضاد- گدا - شهنشاه

- درون خانه خود هر گدا شهنشاهی است
- قدم برون منه از حد خویش و سلطان باش
- ص ۴۲- ب ۱۷



اضافه اقتراڻي - دست تمنا

- شعار ڪعبه چو ڏيڊم سياه دست تمنا
- دراز جانب شعر سياه موي تو ڪردم
- ص ۴۵ - ب ۲



جناس ناقص – مُني - مِني

- فتاده اهل مِني در پي مُني و مقاصد
- چو جامي از همه فارغ من آرزوي تو کردم
- ص ۴- ب ۷



- نصرالله فلسفي از اعضاي پيوسته فرهنگستان بود کتاب
مفصل زندگي شاه عباس اول عمده ترين تاليف اوست
- ص ۴۷



■ تاریخ روابط سیلسی ایران و اروپا در عهد صفویه - دوره
کامل تاریخ تیران در پنج جلد برای کلاسهای متوسطه -
اصول تعلیم و تربیت از آثار نصرالله فلسفی است

■ ص ۴۷



■ منتخب فرهنگ فلسفي بولتر و منتخب اشعار ويكتور هوگو
و داستانهاي کوتاه از نويسندگان بزرگ از ترجمه هاي
نصرالله فلسفي است

■ ۲۷ و ۲۸



قابوسنامه

■ امیر عنصرالمعالی کیکاووس ابن اسکندر ابن قابوس ابن وشمگیر ابن زیار از خاندان زیاری قابوسنامه را در قرن ۴ و ۵ هجری در ۴۴ باب برای پسر خود گیلان شاه نوشته است تا تجربیات خود را در مسائل گوناگون زندگی بدو

بیاموزد

■ ص ۵۰



■ قابوسنامه نثري ساده دارد حکاياتي که مؤلف آورده است همه خواندني است قابوسنامه را نموداري از تمدن اسلامي پيش از مغول دانسته اند اين کتاب را دکتر غلام حسين يوسفی در سال ۱۳۴۵ تصحيح و چاپ کرده است

■ ص ۵۰



■ فعل کلمه اي است مکه بر انجام گرفتن کاري يا واقع شدن کاري يا وجود داشتن يا پذیرفتن حالي دلالت مي کند هر فعلي سه مفخوم را مي رساند : زمان - کار يا حالت - شخص

■ ص ۵۳



■ زمان اصلي فعل گذشته حال و آینده است

■ ص ۵۳



■ انواع فعلهاي ماضي براي گذشته - مضارع اخباري براي حال و گاهي براي آينده -مستقبل و مضارع التزامي براي آينده به كار مي رود

■ ص ۵۳

■ فعل از نظر ساختمان بر ۵ گونه است:

■ ۱- ساده : فعلی است که از يك کلمه ساخته شده است : رفت - دید

■ ۲- پیشوندی: فعلی است که از يك پیشوند و يك جزء اصلي ساخته می شود: در آمدن- بر نشستن

■ ۳- مرکب: فعلی است که از يك اسم یا صفت و فعل پدید آید : تحصیل کردن. تازدن

■ ۴- عبارت فعلی: فعلی است که از يك حرف اضافه‌یك اسم و يك فعل ساده ساخته می شود: از پا افتادن

■ ۵- فعل لازم يك شخصه: فعل هایی هستند که به صورت لازم و فقط به صورت سوم شخص مفرد به کار می روند و به جاي شناسه. ضمير متصل مفعولی و اضافی شخص فعل را نشان می دهند: خوشم آمد



- معلوم: فعلی است که با فاعل نسبت داده می شود: رستم
سهراب را کشت
- ص ۵۴



■ مجهول: فعلی است که به مفعول نسبت داده می شود:
سهراب کشته شد.

■ ص

■ ۵۴



■ فعل ربطی: گاهی در جمله نهاد نه فاعل است نه مفعول.
بلکه ترکیبی را به نهاد نسبت داده می دهد. فعل این نوع
جمله ها را فعل ربطی گویند.

■ ص ۵۴



■ کلمه یا ترکیبی که به نهاد نسبت داده می شود. مسند نامیده می شود.

■ هوا روشن شد.

■ ص ۵۴



■ وجه اخباري: که وقوع کاري را به قطع و يقين خبر مي دهد: حسين به مشهد مي رود

■ ص ۵۴



■ وجه التزامی: که وقوع کاری را به تردید و شرط و آرزو انجام می‌رساند: حسین شاید به مشهد برود.

■ ۵۴



- وجه امري: که وقوع کاري را طلب مي کند: برو. بياید
- ص ۵۴



■ از مرحوم مطهری کتابهای فراوانی به جای مانده است. برخی از آنها عبارتند از: آشنایی با علوم اسلامی. خدمات متقابل اسلام و ایران. نهضت های اسلامی در صد سال اخیر. داستان راستان و اصول فلسفه و روش رئالیسم

■ ص ۵۵



- نامی که در آغاز اب و ابن و بنت و... باشد کنیه نامیده
- می شود
- ص



■ خواجه عبدالله از مفسران. محدثان. و صفيان و شاعران بزرگ ايران در قرن پنجم هجري است. از خواجه كتابها و رسالات زيادي برجاي مانده است كه مشهورترين آنها تفسيري است كه رشيدالدين ميدي آن را شرح کرده و كشف الاسرار ناميده است.

■ ص ۶۶



■ طبقات صوفیه ابو عبدالرحمن سلمی را خواجه عبدالله انصاری به زبان هروی املاء کرده است که جامی آن را در قرن نهم ویراسته و شرح حال صوفیان متاخر را بر آن افزوده و نفحات الانس را پدید آورده است.

■ ص ۶۶



■ مناجات نامه از معروفترین آثار فارسی خواجه خواجه
عبدالله انصاری است که به نثر مسجع تألیف شده است.
قلندر نامه محبت نامه آثار دیگر اوست.

■ ص ۶۶



- کشف الاسرار: تفسيري بزرگ از قرآن مجید است . تالیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی. میبدی چون تفسیری را که خواجه عبدالله انصاری تالیف کرده بود. مختصر یافته به شرح آن پرداخته و آیات قرآنی را يك بار ترجمه و دوبار تفسیر کرده است. بار اول به شیوه مفسران عادی و بار دوم بر طبق مشرب عارفان
- ص ۶۸



■ اسرار التوحيد في مقامات شيخ ابي سعيد: كتابي است عرفاني و تاريخي به فارسي در شرح احوال و سخنان ابوسعيد ابوالخير (م ۵۴۴۰هـ) كه يكي از نوادگان او به نام محمد بن منور بن ابي سعيد تاليف کرده است.

■ ص ۷۰



■ اسرار التوحيد از كتاب هاي مهم و معتبر زبان فارسي است و كهن ترين كتابي است كه درباره زندگي اولياء نوشته شده است و از ماخذ اصلي عطار در تذكره الاولياء و جامي در نفحات الانس و ديگران بوده است.

■ ص ۷۰



- از آثار علامه محمد حسین طباطبایی تفسیر المیزان (۴۰ جلد) اصول فلسفه و روش رئالیسم (۵ جلد) حاشیه ولایت و حکومت اسلامی. علی و فلسفه الاهیة. شیعه در اسلام. قرآن در اسلام. استراتژی زن در اسلام. و بسیاری مقالات و مباحث علمی و فلسفی دیگر.
- ص ۷۲



- بعضي از آثار دکتر عبدالمحسن زرین کوب عبارتند از:
- ارزش میراث صوفیه. درباره تصوف اسلامی. از کوچه رندان
- درباز زندگی و اندیشه حافظ. با کاروان حله. در نقد و بررسی
- زندگانی و آثار بعضی از شاعران. بحر در کوزه. نقد و تفسیر قصه
- ها و تمثیلات مثنوی. پله پله تا ملاقات خدا. درباره زندگی و اندیشه
- و سلوک مولانا جلال الدین. شعر بی دروغ. شعر بی نقاب. درباره
- فنون شاعری. نقد ادبی. بررسی در تاریخ نقد و نقادان. فرار از
- مدرسه. درباره زندگی و اندیشه محمد غزالی.



■ مولانا اثری بر ای گذاشته است که جزو عالی ترین نتایج اندیشه بشری است. از مولانا غزلیاتی به نام کلیات شمس بر جای مانده که به نام مرشد محبوبش شمس سروده است. مثنوی او در شش دفتر شهرتی جهانی دارد. کجاس سبعة شامل هفت سخن رانی اوست. قریب یکصد و پنجاه نامه به نام مکتوبات و کتابی دیگر به نام فیه مافیه از آثار دیگر اوست.

■ ص ۸۰



اشاره به آیه قرآن

- هیچ وازر و زرغیري بر نداشت
- هیچ کس ندرود تا چیزی نکاشت
- ص ۸۲-ب ۲۸



اشاره به حدیث

- کز اگر گفتن رسول باوفاق
- منع کرد و گفت آن هست از نفاق
- ص ۸۲ - ب ۳۴



مجاز - رخ

- بنمائي رخ كه باغ و گلستانم آرزوست
- بگشاي لب كه قند فراوانم آرزوست
- ص ۸۷-ب ۷۷



آفتاب حسن استعاره از معشوق

- ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر
- کان چهره مشعشع تابانم ارزوست
- ص ۸۷ – ب ۷۸



ایهام

- بشنیدم از هوای تو آواز طبل باز
- باز آمدم که ساعد ساطانم آرزوست
- ص ۸۷ - ب ۳



ایهام

- بشنیدم از هوای تو آواز طبل باز
- باز آمدم که ساعد ساطانم آرزوست
- ص ۸۷ - ب ۳



منظور از شیخ دیوژن یونانی است

- دي شيخ با چراغ همي گشت گرد شهر
- كز ديو و دد ملولم انسانم آرزوست
- ص ۸۸ - ب ۱۴



■ آثار مهم جلال آل احمد عبارتند از: زن زيادي. هفت مقاله.
از رنجي که مير بريم. سرگذشت کندوها. نون و القلم. مدير
مدرسه. خسي در ميقات. نفرين زمين. ارزايبي شتاب زده و
... همچنين اثاري را هم به فارسي ترجمه کرده که برخي
عبارتند از: قمار باز. بيگانه. سوء تفاهم. دست هاي آلوده و
...

■ ص ۹۳



■ رنگین نامه: تعبیر است که در مورد مجلات بی محتوا به کار رفته است.

■ ص ۱۰۰



■ ماضي ساده (مطلق): فعلي كه در زمان گذشته (دور يا نزديك) شروع شده و به پايان رسيده است. ماضي ساده از بن ماضي + شناسه ها ساخته مسي شود:

■ علي رفت

■ ص ۱۰۲



- ماضي نقلي: فعلي كه در زمان گذشته شروع شده است و هنوز ادامه دارد. ماضي نقلي از صفت مفعولي فعل مورد نظر + م. اي. است و ۰۰۰ ساخته مي شود:
- بچه خوابيده است.
- ص ۱۰۲



■ ماضي استمراري: فعلي كه در زمان گذشته چند بار تكرر شده يا مدتي ادامه داشته است . ماضي استمراري از افزودن مي - به ماضي ساده ساخته مي شود:

■ حسين جمعه ها به كوه مي رفت .

■ ص ۱۰۲



- ماضی بعید: فعلی که انجام کاری را در گذشته دور بیان می‌کند. ماضی بعید از صفت مفعولی فعل اصلی + ماضی ساده فعل بودن ساخته می‌شود:
- سالها پیش مردی به اینجا آمده بود.
- ص ۱۰۲



■ ماضي ابعـد:

■ فـعلي که براي بيان عملي درگذشته دورتر به طريق حکايات به کار مي رود. ماضي ابعـد از صفت مفعولي فعل مورد نظر + صفت مفعولي فعل بودن + ام . اي . است . ساخته مي شود:

■ حکايت کرد که از مدرسه به واسطه بيماري اخراجش کرده
بوده اند

■ ص ۱۰۲



■ ماضي التزامي:

■ فعلي که در گذشته رخ داده باشد که به انجام آ > يقين نداشته باشيم.

■ فعل ماضي التزامي از صفت مفعولي مفعولي فعل مورد نظر + باشم. باشي و ... ساخته مي شود:

■ شايد او اين خبر را شنیده باشد.

■ ص ۱۰۲



- ماضي نقلي استمراري (مستمر)
- در جمع ميان موارد استعمال ماضي نقلي و ماضي استمراري به كار مي رود. ماضي نقلي استمراري از مي + ماضي نقلي درست مي شود:
- حكما و فيلسوفان قديم مردمان مملكت را به چهار طبقه تقسيم مي كردند
- ص ۱۰۲



■ ماضي ملموس: فعل ماضي استمراري است كه به همراه ماضي مطلق فعل داشتن به كار مي رود و فعلي را نشان مي دهد كه در گذشته در حال اتفاق افتادن باشد.

■ داشتم مي رفتم.

■ ص ۱۰۲



■ مضارع اخباري:

■ فعلي که انجام کاري را در زمان حال يا آینده به طريق خبر بيان کند.

■ مضارع اخباري از مي + بن مضارع + م . ي و . . .

■ ص ۱۰۳



■ مضارع التزامي:

■ فعلي كه انجام كاري را با شك و ترديد بيان مي كند. فعل
ماضي التزامي از ب + بن مضارع + م . ي. د و
... ساخته مي شود.

■ ص ۱۰۳



■ مضارع ملموس:

■ فعلی که انجام کاری را در حال رخ دادن در زمان حال نشان می دهد.

■ مضارع ملموس از فعل داشتن+مضارع اخباری ساخته می شود:

■ دارم می روم.

■ ص ۱۰۳



■ فعل مستقبل:

■ برای بیان انجام عملی در آینده دلالت میکند. فعل مستقبل از مضارع اخباری فعل خواستن و مصدر مرخم فعل مورد نظر ساخته می شود: خواهم رفت

■ ص ۱۰۳



■ فعل امر:

■ فعلی که انجام گرفتن کاری را طلب می کند. برو. برورد.

■ ص ۱۰۳



فعلی که انجام گرفتن کاری را بیان می کند. فعل مثبت و فعلی
که انجام نگرفتن کاری را بیان کند. فعل منفي نامیده
می شود. فعل امر منفي را فعل نهی می گویند.

ص ۱۰۳



■ **قید:**

■ **قید کلمه ای یا ترکیبی است که چگونگی انجام گرفتن فعل را نشان می دهد و یا آن را به چیزی از قبیل زمان، مکان، مقدار، تاکید و جز آن مقید می سازد.**

■ **ص ۱۰۳**



- قید از جهت معنی های گوناگون که به فعل می افزاید. انواعی پیدا می کند:
- ۱. قید زمان: امروز
- ۲. قید مکان: اینجا
- ۳. قید مقدار: کم
- ۴. قید تاکید: البته
- ۵. قید ترتیب: دسته دسته
- ۶. قید حالت: خندان
- ۷. قید شك و تردید: پنداری
- ۸. قید استثنا: مگر
- ص ۱۰۳
-



- فرخي: از شاعران دوره غزنوي (م ۴۲۹هـ) انوري: از شاعران دوره سلجوقي. وفاتش را سال ۵۸۳ نوشته اند
- ص ۱۰۷



- سنایی: از شاعران عارف دوره غزنویان. وفاتش را میان سالهای ۵۲۵-۵۴۵ هجری دانسته اند.
- ص ۱۰۷



ستاره تابان استعاره معشوق

- باز امشب اي ستاره تابان نيامدي
- باز اي سپيده ي شب هجران نيامدي
- ص ۱۱۳-ب ۱
-



سپیده ی شب هجران استعاره از معشوق

- باز امشب ای ستاره تابان نیامدی
- باز ای سپیده ی شب هجران نیامدی
- ص ۱۱۳-ب ۱
-



شمع استعاره از چشم

- شمع شکفته بود که خندد به روی تو
- افسوس ای شکوفه خندان نیامدی
- ص ۱۱۳-ب ۲
-



خندد کنایه

- شمعم شکفته بود که خندد به روی تو
- افسوس ای شکوفه خندان نیامدی
- ص ۱۱۳-ب ۲
-



شکوفه ي خندان استعاره از معشوق

■ شمع شکفته بود که خندد به روي تو

■ افسوس اي شکوفه خندان نيامدي

■ ص ۱۱۳-ب ۲

■



جناس تام – دیوان و دیوان

- دیوان حافظی تو و دیوانه ی تو من
- اما پری به دیدن دیوان نیامدی
- ص ۱۱۳-ب ۹
-



جناس مزيل – ديوان و ديوانه

- ديوان حافظي تو و ديوانه ي تو من
- اما پري به ديدن ديوان نيامدي
- ص ۱۱۳-ب ۹



مراعات نظير – پري و ديوان

- ديوان حافظي تو و ديوانه ي تو من
- اما پري به ديدن ديوان نيامدي
- ص ۱۱۳-ب ۹



ایهام – پری به معنی فرشته و پری نام معشوقه شپری

- دیوان حافظی تو و دیوانه ی تو من
- اما پری به دیدن دیوان نیامدی
- ص ۱۱۳-ب ۹



ماه قصر استعاره از معشوق

- نشناختي فغان دل رهگذر که دوش
- اي ماه قصر بر لب ايوان نيامدي
- ص ۱۱۴-ب ۱۰



تتابع اضافات – فغان دل رهگذر

- نشناختي فغان دل رهگذر که دوش
- اي ماه قصر بر لب ايوان نيامدي
- ص ۱۱۴-ب ۱۰



ایہام تناسب-عید و قربان

- عیش دل شکستہ عزا می کنی چرا
- عیدم تویی کہ من بہ تو قربان نیامدی
- ص ۱۱۴-ب ۱۳



تضاد-عیش وعزا

- عیش دل شکسته عزا مي کني چرا
- عیدم تويي که من به تو قربان نیامدي
- ص ۱۱۴-ب ۱۳



■ نیما یوشیج در تحول شعر فارسی مقامي ارجمند دارد او در قاب هاي شعر فارسي از نظر وزن و قافیه راع هاي تازه جست و تصدفا تي کرد با کوتاه و بلند کردن مصراع ها و حفظ وحدت ارکان عروضي و همچنین آزادي در انتخاب موارد قافیه در شعر فارسي راهي تازه پیشنهاد کرد .

■ ص ۱۱۹



- آثار منظوم نیما عبارتند از : افسانه – خانواده ی سرباز –
ماخ اولاً و شعر من
- ص ۱۱۹



- آثار منتشر نیما : دوناامه و ارزش احساسات است .
- ص ۱۱۹



■ محمد حقوقي در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنيا آمده است .
دبير ادبيات فارسي است درباره شعر نو تاليفات علمي دقيقی
دارد . يکي از آثار او شعر نو از آغاز تا امروز است .

■ ص ۱۲۰



دهخدا با همکاری میرزا جهانگیر شیرازی روزنامه
صوراسرافیل را منتشر کرد

ص ۱۲۹



دهخدا طنز نویس ، جدي نويس ، روزنامه نگار ، شاعر ،
پژوهشگر و سياستمدار و ايران دوست بود

ص ۱۲۹



دهخدا در نثر با نوشتن مقالاتی تحت عنوان چرند و پرند شیوه
ای نو در نویسندگی پدید آورد . امثال و حکم مجموعه ای
است که در آن ضرب المثل های فارسی را گرد آوری
کرده است .

ص ۱۲۹



زان نو گل پیش رس که در غم نا داده به نار شوق تسکین
ص ۱۳۰ - ب ۱۴



از آثار دکتر منوچهر مرتضوی می توان به مسائل عصر
ایلخانان ، مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ شناسی اشاره کرد

ص ۱۳۹



میخانه استعاره از عشق

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند
گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند
ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت
با من راه نشین باده ی مستانه زدند

ص ۱۴۴ - باب ۲



امانت استعاره از عشق و معرفت

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه ی کار به نام من دیوانه زدند

ص ۱۴۴ - ب ۳



تلمیح به حدیث پیامبر

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

ص ۱۴۴ - ب ۴



خندد شمع استعاره مکنیه است

آتش آن نیست که از شعله او خندد شمع

آتش آن است که در خرمن پروانه زدند

ص ۱۴۴ - ب ۶



زلف سخن استعاره مکنیه است

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

ص ۱۴۴ - ب ۷



طبیبان مدعی اشاره به نعمت الله ولی

در دم نهفته به ز طبیبان مدعی

باشد که از خزانه غیبش دوا کنند

ص ۱۴۶ - ب ۲



خزانه غیب اضافه تشبیهی

دردم نهفته به ز طبیبان مدعی

باشد که از خزانه غیبش دوا کنند

ص ۱۴۶ - ب ۲



اشاره به داستان حضرت یوسف

پیراهنی که آید از او بوی یوسفم

ترسم برادران غیورش قبا کنند

ص ۱۴۶ - ب ۸



جناس زائد - پیمان و پیمانہ

حافظ خلوت نشین دوش به میخانه شد

از سر پیمان برفت با سر پیمانہ شد

ص ۱۴۷ - ب ۱



جزوه باما

اسم کلمه اي است که براي ناميدن انسان يا حيوان يا مفهوم و
يا چيزي ديگر بکار مي رود : مرد - گوسفند - دانش -
دريا

ص ۱۵۲



اسم اگر بر تمام افراد هم نوع یا هم جنس دلالت کند اسم عام
مانند : کشور - زن

ص ۱۵۲



اسم اگر بیه فرد و یا چیزی خاص دلالت کند اسم خاص (علم
(نامیده می شود : ایران - زینب

ص ۱۵۲



اگر اسم عام براي شنونده معين و معلوم باشد اسم معرفه :
کتاب - درس و اگر براي شنونده معلوم و معين نباشد اسم
نکره نامیده مي شود : کتابي - درسي

ص ۱۵۲



نشانه نکره « ي » بعد از اسم و « يك » و « يكي » قبل از
اسم است : کتابي - يك کتاب

ص ۱۵۲



اگر اسم به وجود خود وابسته باشد ، ذات : میز - کتاب و
اگر بوجود دیگری وابسته باشد معنی نامیده می شود : عقل
- سفیدی

ص ۱۵۲



اسم اگر يك كلمه و بي جزء باشد ، ساده (بسيط) : گل -
کتاب و اگر بیش از يك كلمه باشد مرکب نامیده مي شود :
کتابخانه - کاروان سرا

ص ۱۵۲



اگر اسم به يك فرد دلالت کند ، مفرد : مرد – خانه و اگر به
بیش از يکي دلالت کند جمع نامیده مي شود : مردان –

خانه ها

ص ۱۵۲



نشانه جمع در فارسي «ها» و «ان» است ، اما نشانه هاي
ديگري از عربي مانند «ات» ، «ون» ، «ين» و جمع
مكسر هم در فارسي بكار رفته است : اطلاعات ، ماديون ،
مؤمنين ، رجال

ص ۱۵۲



اگر اسم از کلمه دیگری گرفته نشده باشد جامد : دست - دل
و اگر از کلمه دیگری گرفته شده باشد ، مشتق گویند : ناله
- ورزش

ص ۱۵۲



اگر اسم به ظاهر مفرد و در معنی جمع باشد ، اسم جمع نام
دارد : دسته – سپاه

ص ۱۵۲



اگر اسم به خردی و کوچکی دلالت کند اسم مصغر نامیده می
شود: کوچه - گردو - مردک

ص ۱۵۲



دو کلمه اگر دارای يك معني باشند و تلفظ آنها يكسان نباشد مترادف نامیده مي شوند : فکر و اندیشه – چهره و روي .
دو کلمه اگر در تلفظ يكسان باشند ولي معني آنها متفاوت باشد متشابه نامیده مي شوند : خوار و خار – خویش و

خیش

ص ۱۵۲



اگر دو کلمه در تلفظ یکسان نباشند و در معنی هم ضد هم
باشند ، متضاد (ضد هم) نامیده می شوند : شب و روز ،
جنگ و صلح

ص ۱۵۲



نهاد : خبري در مورد آن مي دهند : خدا داناست . نهاد را
مسند اليه هم مي گویند . اگر نهاد انجام دهنده فعل باشد
فاعل نام مي گیرد : خداوند جهان را آفرید . « خداوند »
نهاد است و چون فعل آفریدن از او ناشی شده فاعل هم
هست .

ص ۱۵۲



مفعول : اگر اسم پذیرنده عملی باشد مفعول نامیده می شود :
خداوند جهان را آفرید . (جهان) مفعول است . اگر اسم
بعد از یکی از حروف اضافه قرار گیرد متمم فعل نامیده
می شود : حسین از شیراز برگشت .

ص ۱۵۳



اگر اسمی به اسم دیگر نسبت یا ربط داده شود و با کسره ای
به اسم دیگر متصل شود اسم دوم را مضاف الیه و اسم اول
را مضاف گویند : کتاب علی - شهر تهران . مضاف و
مضاف الیه را با هم ترکیب اضافی گویند .

ص ۱۵۳



اگر مضاف الیه انسان و شایسته مالکیت باشد اضافه را ملکی
گویند : باغ حسن

ص ۱۵۳



اگر مضاف الیه انسان نباشد و برارنده مالکیت نباشد اضافه را
تخصیصی نامند : در باغ

ص ۱۵۳



اگر مضاف الیه نوع و جنس مضاف را بیان کند اضافه را
بیانی نامند : کاسه مس .

ص ۱۵۳



هر گاه میان مضاف و مضاف الیه رابطه شباهت باشد اضافه
را تشبیهی نامند : قد سرو

ص ۱۵۳



اگر مضاف به معنی مجازی (غیر حقیقی) بکار رود اضافه
را استعاری گویند : دست طبیعت

ص ۱۵۳



اگر اقتران و پیوستگی مضاف را به مضاف الیه برساند
اضافه را اقترانی گویند : دست ادب – پای ارادت

ص ۱۵۳



منادي اگر اسم مخاطب قرار گيرد منادي ناميده مي شود :
خدايا به فريادم برس . نشانه منادي (اي - يا - ايا) پيش
از اسم و الف بعد از اسم است : اي خدا - يا الله - ايشاه
محمود و الاتبار ، پروردگارا . گاهي منادي نشانه اي ندارد
: سعي ؟ چو جورش مي بري نزديك او ديگر مرو

ص ۱۵۳



نقش مسندي : ديروز شنبه بود . اينجا تهران است . (شنبه و
تهران در اين جمله ها مسندند .

ص ۱۵۳



نقش بدلي : بدل اسم يا لقب يا شغل يا مقام يا يکي ديگر از خصوصيات اسم ديگر را مي رساند : حضرت محمد (ص) پيامبر بزرگ اسلام در مکه به دنيا آمد . (پيامبر بزرگ اسلام) بدل است .

ص ۱۵۳



نقش تمییزی : نقش تمییز قالباً نسبت مبهمی را روشن می کند
و بیشتر همراه افعال مصادری چون : گفتن - خواندن -
نامیدن و پنداشتن می آید . مانند : (اکباتان) و (توس) در
مثالهای زیر :

همدان را در قدیم اکباتان می گفتند .
مشهد در گذشته توس نامیده می شد .

ص ۱۵۳



نظامی از ارکان استوار شعر فارسی است . مثنوی داستانی را به حد کمال رسانده است . آثار او چنان پسندیده واقع شده است که از قرن هفتم شاعران به تقلید از وی برخاسته اند . مثنوی های او که به پنج گنج معروفند به ترتیب تاریخی عبارتند از : مخزن الاسرار ، خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون ، هفت پیگر یا بهرام نامه و اسکندر نامه که دو بخش دارد : شرف نامه و اقبال نامه . از نظامی اشعاری در قالب غزل - قصیده و چند قطعه و رباعی نیز در دست است .

ص ۱۵۴



سپر خاك اضافه تشبیهی

خیز و مزن بر سپر خاك تیغ

کز تو ندارد یکی نان دریغ

ص ۱۵۴ - ب۸



سعدی غزل را به نقطه کمال رسانده است . سخن سعدی را به
صفت سهل و ممتنع ستوده اند .

ص ۱۵۸



يعني سخن او به شيوه اي است كه شنونده مي پندارد آسان
است ولي هرگز نمي تواند نظير آن را بيافريند .

ص ۱۵۸



تلمیح

ملامتگوي بي حاصل ترنج از دست نشناسد
در آن معرض که چون يوسف جمال از پرده بنمايي

ص ۱۶۰-ب۳



طباق - دعا و دشنام

دعایي گر نمي گويي به دشنامي عزيزم کن
که گر تلخ است شیرین است از آن لب هر چه فرمائي

ص ۱۶۰ - ب ۸



ایهام - پایاب

گمان از تشنگی بردم که دریا تا کمر باشد
چو پا یابم برفت اکنون بدانستم که دریایی

ص ۱۶۰ - ب ۹



طباق بين بزرگ و کوچک

پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند
تو بزرگی و در آئینه ی کوچک ننمایی

ص ۱۶۲ – ب۵



آئینه کوچک استعاره از چشم بیگانه

پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند
تو بزرگی و در آئینه ی کوچک نمای

ص ۱۶۲ – ب۵



اشاره به آیه ۵ سوره جمعه

نه محقق بود نه دانشمند

چارپایي بر او کتابي چند

ص ۱۷۲ – ب ۲۰



چند کتاب از دکتر اسلامی ندوشن : به دنبال سایه همایی ،
فرهنگ و شبه فرهنگ ، نامه ی نامور (گزیده شاهنامه) ،
زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه را می توان نام برد .

ص ۱۷۵



ابوالفضل بیهقی : مورخ نامدار قرن پنجم هجری است . در نیشابور تحصیل کرده و در غزنین به خدمت غزنویان پیوسته است . در آغاز در دیوان رسالت محمود سمت دبیری داشت . زیر دست ابونصر مشکان (رئیس دیوان) بود . اثر معروف او تاریخ بیهقی است . از نظر شیوه ی نویسندگی بیهقی از استادان بی نظیر نثر فارسی است .

ص ۱۸۱



ناصر خسرو : حکیم ناصر بن خسرو بن حارس قبادیانی بلخی
حجت از شاعران و نویسندگان بزرگ و توانای زبان فارسی
او در سال ۳۹۱ هجری قمری در قبادیان بلخ به دنیا آمده است . در
ابتدا به کار دبیری مشغول بود . خوابی دید و تحولی در او پدید آمد
و به همراه برادرش به سفر هفت ساله پرداخت . شهر های مختلف
اسلامی را سیاحت کرد و در مصر به فاطمیان (اسماعیلیه)
پیوست و به بلخ بازگشت و به تبلیغ آئین اسماعیلیه پرداخت .
مخالفانش افزونی یافت . او به دره یمگان رفت و در ۴۸۱ هجری
قمری در همان جا وفات یافت . آثار او علاوه بر دیوان ، دو
منظومه به نام های روشنایی نامه و سعادت نامه است . آثار منثور
او عبارتند از : خان اخوان ، جامع الحکمتین ، زاد المسافرین ، وجه
دین ، گشایش و رهایش و سفر نامه .



جناس زاید - سود و سوده

جستم من صحبتش و لیکن از این کار

سود ندیدم از آن که سوده شدم تن

ص ۲۰۲ - ب ۷



آبي همي کوبي... - کنایه از فکر بیهوده کردن

گویی بهمان زمن مهست و نمرده ست

آب همي کوبي اي رفيق به هاون

ص ۲۰۲ - ب ۹



دست خداوند - مجاز

دست خداوند باغ و خلق دراز است

بر حسك و خار همچو بر گل و سوسن

ص ۲۰۲ - ب ۱۲



مراعات و نظیر بین خار و گل و سوسن

دست خداوند باغ و خلق دراز است

بر حسك و خار همچو بر گل و سوسن

ص ۲۰۲ – ب ۱۲



مراعات و نظير بين تب و حرارت

گرت تباید يکي ربيم حرارت

جستن گيري گلاب و شکر و چندن

ص ۲۰۲ – ب۱۵



مراعات و نظیر بین گلاب و شکر و چندن

گرت تباید یکی ربیم حرارت

جستن گیری گلاب و شکر و چندن

ص ۲۰۲ – ب ۱۵



تضاد بین عاقلان و دیوانگان

گفت با زنجیر در زندان بی دیوانه ای
عاقلان پیدا است ، کز دیوانگان ترسیده اند

ص ۲۰۵ - ب ۱



تضاد

از براي ديدن من بارها گشتند جمع

عاقلان آري چو من ديوانه کمتر ديده اند

ص ۲۰۶ - ب ۶



اضافه توصیفي مغلوب - پیرزن

آب صاف از جوي نوشیدم ، مرا خواندند پست
گر چه خود خون یتیم و پیرزن نوشیده اند

ص ۲۰۶ - پ ۱۰



تضاد

هیچ پرسش را نخواهم گفت زین ساعت جواب
زانکه از من خیره و بیهوده بس پرسیده اند

ص ۲۰۶ - ب ۱۴



گران سنگي - اضافه توصيفي مغلوب

ما سبک ساريم ، از لغزیدن ما چاره نيست
عاقلان با اين گران سنگي چرا لغزیده اند

ص ۲۰۶ - ب۱۸



صفت کلمه اي است که در باره اسم توضیحي مي دهد و يکي
از خصوصيات آن را بيان مي کند : درخت پر بار ، کتاب

مفيد

ص ۲۰۸



هر اسمي که داراي صفت باشد آن را موصوف مي گویند .
ترکیب موصوف و صفت را ترکیب وصفي نامند .

ص ۲۰۸



صفت بیانی ، صفتی است که یکی از ویژگی های اسم مانند
رنگ ، طعم ، شکل و جز آن را بیان می کند : گل خوش
بود .

ص ۲۰۸



بعضي صفت هاي بياني معني فاعلي دارند ، يعني بر كننده
كار دلالت مي كنند . اينگونه صفات را صفت فاعلي گویند
. بیشتر صفات فاعلي مشتق اند ، يعني از بن ماضي يا
مضارع فعل با افزودن پسوندي ساخته مي شوند :

فرستنده (فرست) + نده

روا (رو) + ا

آموزگار (آموز) + گار

خواستار (خواست) + ار

ص ۲۰۸



برخی از صفت های مشتق از بن ماضی به اضافه « ه » ساخته می شوند و بیشتر این صفات معنی مفعولی دارند ،
به همین جهت آنها را صفت مفعولی نامند :

گفته (گفت) + ه

کشته (کشت) + ه

ص ۲۰۸



برخی از صفت‌ها نسبت به کسی یا چیزی یا جایی را می‌رسانند. اینگونه صفت‌ها را صفت نسبی گویند «ی، ین، ینه، گان و ه» از نشانه‌های صفت نسبی است:

نیشابوری - زرین - سیمینه - بازرگان - دوروزه.

ص ۲۰۸



صفت اگر يك كلمه و بي جزء باشد صفت بسيط است :
خوب - بد . و اگر دو كلمه و يا بيشتتر باشد صفت مركب
است :

خوب رو - بد كار .

ص ۲۰۸



صفت مرکب اقسام زيادي دارد . به برخي از رايجترين آنها اشاره مي
کنيم :

الف) از دو قسم : هنرپيشه ، سرو قد

ب) از دو اسم و ادات : نيزه بدست ، داغ بر ران

ج) پيشوند و اسم : بنام ، باهوش ، همراه ، نادان ، بي خرد

د) اسم با پسوند « مند » : هنرمند ، خردمند

هـ) اسم با پسوند « ناک » : خشمناک ، غضبناک

و) اسم با پسوند « ور » : هنرور ، دانشور و ...

ص ۲۰۸



صفت شمارشي : صفتي است که شماره را مي رساند :
دو کتاب خریدم
ص ۲۰۹



صفت مبهم : صفتي است که تعداد یا مقدار یا کس نامعيني را
مي رساند :

نمي دانم چند کتاب خريده است .

ص ۲۰۹



صفت پرسشی : صفتی است که پرسش را برساند :
کدام کتاب را خریدی
ص ۲۰۹



صفت اشاره اي : اين ، آن ، همين ، همان كه اشاره را مي
رسانند ، صفت اشاره اي ناميده مي شوند :
اين كار از آن مرد بر نمي آيد ، اين و آن اگر همراه اسم بيايند
صفت اشاره است .

ص ۲۰۹



اگر بخواهیم صفت کسی یا چیزی را با صفت کسی یا چیزی دیگر بسنجیم این سنجش را با صفت برتر بیان می‌کنیم .
صفت برتر با افزودن «تر» به صفت عادی (مطلق)
ساخته می‌شود :

علی از محسن بزرگتر است . (این صفت را صفت تفضیلی
هم می‌گویند)

ص ۲۰۹



اگر بخواهیم صفت کسی یا چیزی را با صفت کسانی یا چیزهایی دیگر بسنجیم این سنجش را با صفت برترین بیان می‌کنیم :

بزرگترین شهر ایران تهران است . (این صفت را صفت عالی هم می‌گویند) .

ص ۲۰۹



صفت جمع بسته نمی شود . مرد خوب ، مردان خوب اما اگر
صفت جانشین موصوف شود جمع بسته می شوند :

دانیان گفته اند

ص ۲۰۹



ضمير : کلمه اي است که به جاي اسم مي نشيند و نقش هاي
اسم را مي پذيرد :

جمشيد دانشجو است ، او پزشکي مي خواند . کلمه اي را که
ضمير به آن بر مي گردد مرجع ضمير مي گویند . مرجع
ضمير (او) کلمه ي « جمشيد » است .

ص ۲۰۹



اگر ضمير براي هر شخص گونه اي داشته باشد ضمير
شخصي ناميده مي شود . ضمير شخصي بر دو گونه است
: جدا و پيوسته

ص ۲۰۹



ضمایر شخصی جدا عبارتند از : من - تو - او (وي) - ما
- شما - ایشان . ضمایر شخصی پیوسته عبارتند از :

م - ت - ش - مان - تان - شان

ص ۲۰۹



جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سؤالات
و پروپوزینت‌های دانشگاهی

Jozvebama.ir

